

«... ومن يؤت الحكمة فقد اوتى
خيراً كثيراً انما يتذكر اولو
الالباب» «سوره بقره - آیه ۲۶۹»

- ✿ اختلاف طبقات قهری است!
- ✿ بهترین راه آسان و عملی!
- ✿ اهمیت انفاق در اسلام

«انفاق و حکمت؟!»

دانشمندان گفته اند: «مال در زندگی اجتماعی، همانند خون است در زندگی فرد، که حیات پیکر اجتماع بستگی بآن داشته و در توانائی و ناتوانی و سرخروئی و زردروئی آن نقش مهمی را دارا می باشد».

حقاً هم از نظر زندگی مادی چنین است و این بهترین تشبیه و تمثیلی است که موقعیت مال را در اجتماع مجسم مینماید.

فردی که دوچار فقر الدم و کم خونی باشد، بستی و ناتوانی در اعضای او نمودار، و رنگه ارغوانی چهره اش مبدل بزردی رخسار گردیده و از رشد و نمو باز مانده و زندگی گیش بخطر می افتد؛ همینطور اجتماع فقیر و نادار هم غبار فلاکت بار فقر در دیوار سازمانهایش فراگرفته و آثار پیریشانی و بی سرو سامانی آنرا احاطه نموده و از زیباییها و جلوه های زندگی صحیح محروم و مش میسازد.

برعکس، فردی هم که تعادل در این ماده حیاتی و مایع سرخ قام را

از دست داده و راه افراط را پیموده و مبتلای بفشار خون گردد ، حالت سکنه و وقفه در پیکر او عارض شده و از حرکت که مایه مهر پیشرفت و موفقیت است باز می ماند، همینگونه جامعه‌ای هم که ثروت‌های هنگفتی چون زمینهای وسیع و نهر های بزرگ و منابع زیر زمینی فراوان و مانند اینها را داشته و از آنها بهره نگرفته و بر خوردار نباشد و یا استعداد های قابل و خداداده را در اثر راحت طلبی و تن پروری مهمل گذاشته و دنبال تحصیل علم و تکمیل صنعت نرود و در با خواری و سفته بازی و امثال آنها رایش گیرد چرخهای زندگیش از حرکت باز ایستاده و ترقی و تکاملی برآی آن حاصل نشده و از همه خوشیها و کامیابیها محروم میماند .

خون، وقتی تأمین حیات و نشاط و سلامت و رشد فردی را مینماید که دارای تعادل در تقسیم بوده و در اثر ضربات منظم قلب و دستگاه پخش خون، بهره‌مندی، دور از مرکز باشد یا نزدیک، از اعضای رئیسه (چون مغز و چشم) باشد یا کارگر، (چون دست و پا) باندازه کافی و آنگونه که احتیاج دارد برسد و رفع نیازمندی آن را بنماید، و گرنه اختلال و پیریشانی در دستگاه بدن پدید آمده و عضوی از جهت افراط و عضوی دیگر از جهت تقریب، از انجام وظیفه بازمانده و راه خرابی و تباهی را می‌پیماید .

مال و ثروت نیز که مایه حیات اجتماع است ، آنگاه موجب ترفاهیت و پیشرفت و کمال و رشد جامعه‌ای را فراهم می‌آورد که دارای تقسیم عادلانه بوده و از افراط و تقریب برکنار باشد ، و هر طبقه و فردی در هر مقام و مکان که باشند بقدر شایستگی و نیازمندی خود بآن دسترسی داشته و از آن برخوردار باشند ، نه اینکه فردی بجرم اینکه دور از مرکز است یا از طبقه کارگر و رنجبر است، در آتش فقر و فاقه سوخته و راهی بسوی تأمین احتیاجات

اولیة زندگی چون خوراک و پوشاک و مسکن و بهداشت و فرهنگ و ... نداشته‌واز اینرو راه عصیان و ناسپاسی و فساد و خدا شناسی را بپیماید ، و فردی دیگر چون در مرکز و در ردف کار فرمایان و رؤسای جمعیت است در انواع خوشیها و لذات و وسائل عیش و نوش غوطه‌ور بوده و هیچگاه درک مفهوم ناداری و نیازمندی را هم ننموده و آنرا در حق کسی باور ندارد و بدین سبب راه سرکشی و تجاوز را پیش گیرد . بدیهی است چنین جامعه ای که این اندازه فاصله طبقاتی داشته و دچار افراط و تفریط و هر چه و هر چه بوده و تعادل و هم آهنگی را از دست داده باشد، امور اجتماعی آن مختل گردیده و افراد و طبقات آن بوظائف خود عمل نخواهند نمود . برخی از بی نیازی و زیادی مال و ثروت، راه بیکاری و فحشاء و آسایش طلبی را پیش میگیرند و افرادی از گرسنگی، حال و جان کار کردن را نداشته و نشاط و شوق زندگی را از دست داده اند و روح بدبینی و ناامیدی بر آنها مسلط شده و از محیط کار و فعالیت خود را کنار میکشند .

در این جهات و جهات بسیار دیگری، مال در زندگی اجتماع بخون در زندگی فرد شباهت داشته و توجه دانشمندان و سران و بزرگان جامعه‌ها را بخود جلب نموده و رهبران عدالت پیشه و خردمند ، و کارگردانان کاردان و داناتی هر قوم و ملتی پیوسته در صدر بوده اند که با استفاده از نظرات دانشمندان اقتصاد و وضع قوانین و بر نامه‌های عادلانه و بکار بستن طرحهای اساسی، با فقر و تهیدستی و اختلاف طبقاتی مبارزه نموده و با شعارهای : «کار برای همه، بهداشت برای همه، فرهنگ برای همه، و مانند اینها» از فسادها جلوگیری نموده و جامعه‌ها را از بدبختی و هلاکت رهایی بخشند ، و هر چند کم و بیش موفقیت‌هایی نصیب آنها شده است ولی روی عدم احاطه فکر

غالباً راه افراط و تفریط را پیموده و که متر بن نتیجه رسیده اند. یاس از سلب مالکیت و کمونیستی در آورده و روح امید واری و عشق بکار و کوشش را در افراد کشته و آنانرا بمانند حیوانی اسیر نموده و بکلی آزادی و اختیار را از آنها گرفته اند، و یا دروادی مادیت و افراط در حوش و فعالیت، حیران و سرگردان مانده و نور تقوی و فضیلت را در انسانها خاموش نموده و روح آدمیت و معنویت آنان را در زیر چرخهای زندگی ماشینی له کرده بلکه جسم و جان آنانرا نیز دچار بیماریهای اعصاب و روانی نموده اند. آری! دین مقدس اسلام، این استوارترین آئین زندگی و کاملترین برنامه کمال، و هموارتر و روشترین راه پیشرفت و رسیدن بهر مطلوب این جهت را نیز مانند سایر جهات زندگی بشر منظور داشته و دربر نامه جامع و منظم خود مواد بسیاری را در پیرامون مال و راه فراهم آوردن و تعادل در تقسیم و کیفیت صرف نمودن، و طریقه پس انداز و اندوختن آن قرار داده و مردمانرا بر پایه ایمان و عقیده (که نیرومندترین عامل برای پیشرفت بسوی هر مقصدی است) با جراء و کار بستن آنها دعوت نموده است.

فریضه زکوة و خمس و کفارات، و دستورات راجعه بانقافات و صدقات واجب و مستحب که دربر نامه اسلام فصول مهمی را تشکیل داده شاعداً این معنی است.

اختلاف طبقات قهری است!

هر چند حس احتیاج و نیازمندی بزرگترین محرک
افراد بسوی کار و کوشش است، و هر چند آفریدگار

حکیم و عادل، هر فردی را از نیروهای طبیعی که سرمایه های اساسی زندگی هستند مانند دست و پا و چشم و زبان و گوش، عقل و فکر و تدبیر و هوش و سایر غرایز حیوانی و انسانی بر خوردار ساخته است. و هر چند که ابر و

بادومه و خورشید و فلک برای بشر آفریده شده و این خون پر نعمت در اختیار همه قرار گرفته است، مع الوصف عوامل بسیاری چون : اختلاف نژاد و محیط و زمان و مکان جامعه‌ها، و تفاوت در نیروهای جسمی و روحی و طرز تفکر و توانائی در کار که بین افراد مشاهده میشود (و هر يك از آنها نیز معلول علل ناپیدا و دقیقی میباشد) وهم آهنگ نبودن تربیتها و حکومتها و پیش آمد حوادث و تصادفات آسمانی و زمینی و بسیاری علل و موجبات دیگر سبب میشود که قهر آدر بر خورداری از مال و ثروت نیز مانند سایر شئون زندگی ، اختلافاتی در میان افراد و طبقات بشر پدید آمده و آنانرا بسیر و گرسنه و ایستاده و افتاده و توانگر و ناتوان و دارا و ندار تقسیم مینماید و قطعاً نظام کلی و عدل اجتماعی بمعنی صحیح هم همین اقتضاء را دارد ، زیرا در اجتماع منظم و معتدل همه گونه افراد لازم است و-

جهان چون خط و خال و چشم و ابرو است

کدر چیزی بجای خویش نیکو است

پس این اختلاف، قهری و این فاصله ، طبیعی است و بناچار همیشه در میان همه جامعه‌ها بوده و هیچگاه هیچ سازمانی، الهی یا مادی، آسمانی یا زمینی نتوانسته اند آنرا از میان بردارند و شالوده‌ای بریزند که در جامعه فقیر نباشد، بیچاره نباشد، شکسته و افتاده نباشد ، بی سرپرست و بی پناه نباشد، این مطلب عادتاً ممکن نیست و زمامداران عادل و عاقل هم هیچگاه در صدد آن نبوده‌اند بلکه آنانکه از نعمت ایمان و خرد و داد گری بر خوردار بوده‌اند پیوسته در مقام بر آمده‌اند که این عقیده را حل نموده و راه چاره- ای برای این مشکل بزرگ اجتماعی فراهم آورند که از مفاسد آن جلوگیری نموده و از افراط آن مانع شود . و بهترین راه و چاره کار همان

است که در بر نامه پیغمبران و راهنمایان دین خصوصاً پیغمبر بزرگوار اسلام منظور گردیده و استوار ترین کتاب و آئین نامه برای این منظور قرآن است که میفرماید : «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم (۱)

بهترین راه آسات
و عملی !
یکی از مواد با اهمیت بر نامه اصلاحی اسلام، این است که با بیکاری و ولگردی افراد سخت مخالفت

نموده و از راههای بسیاری مردمانرا تشویق بکار کرده و زراعت و تجارت و سعی و کوشش در راه طلب روزی و معیشترا بسیار ستوده است تا آنجا که زراعترا کیمیای اکبر خوانده و مرد پیشهور را دوست خدا نامیده است. مرد بیکار را بچشم حقارت نگریسته (۲) و مرد کاررا بمنزلهء جهاد در راه خدا دانسته و عرق او را همانند خون شهید قرآ داده است.

مع الوصف چون میدانند که با همه اینها ، جامعه بشر از بینوایان و بیچارگان و افتادگان و ناتوانان خالی نبوده و قهر افراد و خانواده های یافت میشوند که تهیدست و نیازمند بوده و گرفتار چنگال دیوممیب فقر و ناداری میگردند ، برای اینکه آنگونه افراد را از نظر دور اندیش خود دور نداشته و زمینه رفع نیازمندی آنان را فراهم آورده و از خطر ها و فساد های احتمالی بلکه قطعی اختلاف طبقاتی پیش گیری نموده باشد ، یکی از وظائف اجتماعی بلکه عبادات بزرگ مسلمانان را موضوع اتفاق قرار داده و پس از بر خورداری از نعمت ایمان بخدا و روز جزا ، یکی از دور کن اساسی

(۱) سورة اسراء - آیه ۹۰ .

(۲) در حدیثی است که هر گاه پیغمبر اکرم «ص» بکسی نگریسته و از حالت او خوشش میآید ، می پرسید : پیشه او چیست ؟ ، اگر می گفتند : پیشه ای ندارد ، میفرمود : از نظرم افتاد . می گفتند : چرا ؟ میفرمود : زیرا کسیکه بیکار باشد با دینش زندگی میکند . «سینة البحار ج ۱» .

دعوت خود را مراعات حقوق مردمان اعلام داشته ، و برای اینکه روابط مردم را بایکدیگر نیکو ساخته و بیکر اجتماع را از ضربت تفرقه و پراکندگی و بدبینی و دشمنی محفوظ بدارد ، حقوق و وظائفی در میان آنها مقرر فرموده که اهم آنها **انفاق** و کمکهای مالی توانگران و ثروتمندان بفقرا و نیازمندان میباشد .

اهمیت انفاق

در اسلام !

امر بانفاق و ستایش از انفاق کنندگان از مهمترین موضوعاتی است که مورد نظر قرآن کریم میباشد

و از صفحات اول این کتاب مقدس «الذین يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مमारزقناهم ینفقون» - سوره بقره - آیه - ۲ « شروع شده و بسوره های کوچک آخر آن چون سوره ماعون و کوثر پایان یافته است ؛ و علاوه ، پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) با گفتار و کردار خود پیوسته آنرا مورد اهمیت قرار داده و بآن تشویق و ترغیب نموده اند که در کتابهای فقه و تاریخ و اخلاق و آداب اسلامی بطور مفصل ثبت شده و شرح آنها از گنجایش این مقاله و این نشریه خارج است و منظور مادر اینجاست که اشاره بکنته دقیقی است که خالی از اهمیت هم نمی باشد .

در سوره بقره از آیه (۲۶۱) تا (۲۷۴) چهارده آیه در باره انفاق نازل گردیده و با ذکر امثال و تشبیهات ، و بیانه های لطیف و دقیق ، دعوت و ترغیب بآن شده است . و برای اینکه این عمل بزرگ اجتماعی و دینی حکیمانه انجام یافته و ثمر بخش باشد ، جهاتی از آنرا در نظر گرفته و درباره آن دستورات کافی صادر نموده است :

غرض و هدف از انفاق را بیان فرموده (که باید در راه خدا و برای خدا و مطابق دستور خدا باشد) پیکره و چگونگی انجام آنرا معین کرده

(که باید از منت و اذیت بر کنار باشد) ، مال مورد انفاق را توصیف نهوده (که باید از مالهای پاکیزه و دوست داشتنی باشد) ، مصرف آنرا نشان داده (که باید مردمان عقیف و پرهیزکاری باشند که آبرو مند بوده و راه بجائی ندارند) ، و فضل و اجر آنرا اشاره نموده (که موجب فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت میباشد) .

آری این مطالب و جهات دیگری مربوط باین وظیفه بزرگ ، با بیاناتی لطیف و عباراتی فصیح در ضمن آن آیات بیان شده است ولی آن جمله ای که در آن میان نظر را جلب نموده و ناظر را متوقف ساخته و وادار بتدبر و تأمل بیشتری مینماید ، آیه (۲۶۹) است که در خلال این آیات قرار گرفته است : «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا نَمَاتُهُ» .

(بقیه در شماره بعد)

ژوئشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اگر میخواهید :

چاق شوید از خوردن غذاهای چرب و شور ، مصرف مشروبات الکلی ، افراط در آمیزش جنسی ، خستگی زیاد ، کم خوابی ، تشویش و نگرانی ، غم و غصه ؛ عادت به ورزشهای سنگین خودداری کنید .

«راز تندرستی»